

درس تفسیر استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: تفسیر سوره حمد
موضوع جزئی: آیه پنجم - مفردات - حق در معنای عبادت
تاریخ: ۱۸ دی ۱۳۹۵
مصادف با: ۸ ربیع الثانی ۱۴۳۸
جلسه: ۲۴

﴿ الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین ﴾

آیه پنجم «ایاک نعبد و ایاک نستعین»

این آیه در واقع دو قسمت دارد: یکی «ایاک نعبد» و دیگری «ایاک نستعین» طبق معمول ابتداءً به نحو اجمال مفردات این آیه را توضیح می‌دهیم و سپس معنای کلی آیه و بعد از آن هم نکاتی که از این آیه قابل استفاده است را بیان خواهیم کرد.

خود این آیه از متفرعات «الحمد لله» است، یعنی بعد از حمد خدا و ستایش و ثنای خداوند تبارک و تعالی، می‌گوید، «ایاک نعبد و ایاک نستعین».

۱. «ایاک»

«ایاک» همانطور که می‌دانید، ضمیر منفصل مفعولی است که تقدیم آن بر فعل «نعبد» افاده حصر می‌کند و معنایش این است که «انما نعبد ایاک» فقط و فقط تو را عبادت می‌کنیم. در ادامه خواهیم گفت که وجه تکرار و ذکر آن قبل از «نستعین» چیست.

۲. «نعبد»

«نعبد» هم فعل مضارع متکلم وحده از ریشه «عبد» می‌باشد، «عبد» به انسانی اطلاق می‌شود که مملوک غیر باشد، و البته این منحصر در انسان نیست، هر موجود ذی شعور، می‌تواند عنوان عبد بر آن اطلاق شود، همین مملوک اگر از ویژگی‌های انسانی تجرید شود عنوان عبد بر غیر انسان هم اطلاق می‌شود، پس عبد در مورد انسان یعنی انسانی که مملوک غیر است، در مورد موجودات دارای شعوری که انسان نیستند، عبارت است از هر ذی شعوری که مملوک غیر باشد. چنانچه عبد بر غیر انسان هم اطلاق شده مثل آیه «ان کُلُّ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ إِلَّا آتِي الرَّحْمَنِ عَبْدًا»^۱، هیچ کس در آسمان و زمین نیست مگر اینکه با بندگی خدا و به عنوان عبد خواهد آمد، «إِلَّا آتِي الرَّحْمَنِ عَبْدًا» پس عبد بر «کُلُّ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» و موجودات دارای شعوری که صورت انسانی ندارند هم اطلاق می‌شود.

معنای عبادت

«نعبد»، به معنای این است که ما خداوند را عبادت می‌کنیم.

۱. سوره مریم: آیه ۹۳.

۱. بنا بر آنچه که بعضی از اهل لغت گفته‌اند، عبارت است از خضوع و تذلل در برابر خداوند، جوهری و بعضی دیگر عبادت را به این معنا گرفته‌اند.

۲. بعضی دیگر عبادت را به معنای غایت خضوع و تذلل دانسته‌اند، نه خضوع مطلق، بین غایت خضوع و خود خضوع فرق است.

۳. برخی از جمله امام(ره) احتمال می‌دهند که اساساً عبادت شاید به معنای خضوع برای خالق و خدا باشد، یعنی منحصر در خضوع در برابر خداوند است، در معنایی که اهل لغت گفته‌اند، اینکه معبود چه کسی باشد ذکر نشده است و فقط مطلق خضوع را گفته‌اند، اما این احتمال را امام(ره) در تفسیر سوره حمد ذکر می‌کند که در معنای عبادت شاید خضوع برای خالق و خداوند اخذ شده باشد، یعنی حیثیت معبود بودن خالق و خدا.

۴. بعضی هم گفته‌اند، عبادت اصلاً با خضوع متفاوت است، شاهد آن هم این است که خضوع با «لام» متعدی می‌شود اما «عبادت» متعدی به نفسه است، مثلاً می‌گوییم «فلان خضع لفلان»، در اینجا با «لام» متعدی شده است، اما در مورد عبادت می‌گوییم «نعبده»، حرف تعدی در اینجا ذکر نمی‌شود.

بررسی معنای عبادت

علی ای حال در معنای عبادت، چه مطابق قول بعضی لغویین، آن را عبارت از خضوع و خشوع بدانیم یا نهایت خضوع یا خشوع یا خضوع برای خداوند، به هر حال این جهت نهفته است که وقتی می‌گوییم «نعبد» یعنی ما در برابر تو خضوع و خشوع می‌کنیم یا نهایت خضوع و خشوع ما در برابر توست، مرحوم علامه این قول را اختیار کرده و می‌فرماید، عبادت به معنای اظهار مملوکیت در برابر پروردگار است، ارائه مملوکیت در برابر پروردگار، وقتی می‌گوییم «ایک نعبد» یعنی ما خودمان را مملوک تو می‌دانیم، فقط مملوک تو، بین این دو فرق است نهایت خضوع و خشوع غیر از ارائه و اظهار مملوکیت است، البته خضوع و خشوع لازم معنای مملوکیت است اما با آن فرق می‌کند. طبق معنای دوم می‌گوییم: خدایا ما فقط مملوک تو هستیم و به این جهت در برابر تو خضوع و خشوع داریم، اما طبق معنای اول می‌گوییم، خدایا خضوع و خشوع ما فقط در برابر توست، یک نکته‌ای وجود دارد که آیا شرک در عبادت محتمل و ممکن است یا خیر؟ این را عرض خواهیم کرد.

وقتی می‌خواهیم یک لغتی را معنا کنیم باید شواهدی برای آن داشته باشیم، لذا اگر معنایی را بگوییم که شاهد لغوی داشته باشد و استعمالات عرفی مساعد آن باشد، قرائن داشته باشد، این معنا بهتر است، لذا در بین این دو معنایی که برای نعبد گفته می‌شود اگر بگوییم، عبادت به معنای نهایت تذلل و خضوع و خشوع است مناسب‌تر می‌باشد. لذا هر کسی به این نقطه برسد کأنّ عبادت می‌کند، آنوقت دیگر بعضی از آن استعمالات مجاز نمی‌شود، نهایت خضوع و خشوع، برای آن می‌توان مراتب تصویر کرد و لذا مشکلی از این جهت ندارد.

پس بطور کلی در مورد معنای عبادت این اختلاف نظر وجود دارد ولی به نظر می‌رسد اینکه ما بگوییم همان معنای لغوی، یعنی نهایت تذلل و خضوع، شاید این‌ان‌سب باشد، البته در اینجا همان‌طور که گفتیم بعضی می‌گویند کلاً معنای عبادت با خضوع و خشوع فرق دارد چون در اینجا دو اختلاف است، یکی اینکه عبادت از ریشه خضوع و خشوع است یا اظهار مملوکیت، این یک اختلاف است، یک اختلاف دیگر بین کسانی است که عبودیت را به معنای خضوع و خشوع می‌دانند، آنوقت در اینجا، تارة می‌گوییم مطلق خضوع و خشوع است، اخری می‌گوییم نهایت خضوع و خشوع است و ثالثاً می‌گوییم «الخضوع للخالق و الرب». پس دو اختلاف است.

اینکه از این سه احتمال کدامیک اولی است به نظر می‌رسد، آنچه که با معنای لغوی سازگار است، این است که عبادت به معنای نهایت خضوع و خشوع است، اما در بین این دو احتمال که آیا عبادت یعنی اظهار مملوکیت یا عبادت به همان معنای خضوع و خشوع و نهایت خضوع و خشوع است، آنهایی که معتقد هستند، عبادت اصلاً غیر از خضوع و خشوع است، به این دلیل می‌گویند که خضوع و خشوع با «لام» متعدی می‌شود اما تعدی عبودیت بنفسه است.

ولی به نظر می‌رسد این نمی‌تواند قرینه باشد، اینکه خود لفظ خضع با لام متعدی می‌شود و عبد بدون لام متعدی است، این نمی‌تواند شاهد بر این باشد که معنای عبادت خضوع نیست، چون این‌که لفظ خضع با لام متعدی می‌شود، «خضع لفلان» یعنی در برابر فلانی خضوع کرد، دلیل بر تفاوت معنی نمی‌شود. همین معنا ممکن است در ماده «عبد» همان معنا را داشته باشد تعدی و لزوم یا متعدی بودن و لازم بودن در این دو واژه دلیل بر اختلاف معنا نیست، لذا این را نمی‌توانیم صرفاً شاهد بر این بگیریم که عبودیت به معنای خضوع و خشوع نیست، و به معنای اظهار مملوکیت در برابر پروردگار است.

علی‌ای حال به نظر می‌رسد در باب کلمه نعبد و عبادت همان معنای نهایت خضوع و خشوع‌ان‌سب باشد، مثل مرحوم علامه و بعضی از شاگردان ایشان و بعضی دیگر معتقدند که وقتی می‌گوییم «ایاک نعبد» یعنی ما فقط و فقط مملوک تو هستیم و مملوک غیر نیستیم و البته لازمه مملوک بودن برای خدا این است که انسان خضوع و خشوع داشته باشد، ما این احتمال را غلط نمی‌دانیم ولی آنچه که آنها به عنوان شاهد ذکر کرده‌اند قرینیت ندارد بر اینکه معنای نشان دادن مملوکیت اولی باشد از نهایت خضوع و خشوع. به علاوه یک شاهی را بیان می‌کنیم مبنی بر اینکه شاید «نعبد» به معنای «نخضع»، یا «غایت الخضوع و الخشوع» باشد، و آن «ایاک نستعین» است، حال خواهیم گفت «نستعین» یعنی طلب عون کردن، استعانت یعنی طلب کمک کردن، آیا ما برای مملوکیت خودمان استعانت می‌کنیم، یا برای خضوع خودمان و نهایت خشوع خود، این استعانت هر چند مطلق است، ولی استعانت و طلب عون و کمک از خداوند بیشتر تناسب دارد با اینکه بگوییم از خدا برای اینکه بتوانیم نهایت خضوع و خشوع داشته باشیم استعانت می‌جوئیم. چون مملوکیت یک امر حقیقی است، یک امر واقعی است، لازم نیست ما برای مملوکیت استعانت کنیم. اگر ما می‌گوییم «ایاک نعبد و ایاک نستعین» یا این «نعبد» هیچ ارتباطی با «نستعین» ندارد یا ارتباط دارد، وقتی ما می‌گوییم فقط و فقط

مملوک تو هستیم، دیگر اختیاری از خود نداریم، استعانت دیگر به آن معنا مفهوم ندارد، مملوکیتی که عبد در مقابل خدا دارد با آنچه که ما در ذهن خود داریم متفاوت است، اینگونه نیست که ما برای مملوکیت نیاز به استعانت و کمک داشته باشیم، ما مملوک هستیم، ولی اگر بگوییم «ایاک نعبد» و نعبد را به این معنا بگیریم که ما می‌خواهیم به خاطر آنچه که قبل از این گفته شده است، در برابر او خضوع داشته باشیم این مناسب‌تر است چون او الله است، مستجمع جمیع کمالات است، چون «رب العالمین» است، عالمین و موجودات آن را ربوبیت می‌کند، چون رحمت رحمانیه و رحمت رحیمیه دارد، چون «مالک یوم الدین» است، پس باید در برابر او نهایت خضوع و خشوع را داشته باشیم، پس نهایت خضوع و خشوع را در برابر تو داریم، آنها هم که می‌گویند ما فقط در برابر تو اظهار مملوکیت می‌کنیم قطعاً بخاطر این است که او الله و رب العالمین و مالک یوم الدین است و ما مملوک هستیم و چیزی در برابر او نداریم، طبق هر دو معنا جهت همان است که گفته شد منتهی بحث این است که این نعبد دلالت می‌کند بر خود مملوکیت و خضوع و خشوع لازم است یا دلالت می‌کند بر نهایت خضوع و خشوع و البته به دلیل اینکه ما مملوک هستیم، طبق هر دو معنا این دو واقعیت انکار نمی‌شود، بحث در دلالت لفظ است، این واقعیت وجود دارد که ما مملوک خدا هستیم و باید خضوع و خشوع داشته باشیم، اما بحث این است که آیا مدلول نعبد اظهار مملوکیت است یا اظهار خضوع؟

به هر حال مجموعاً در این بخش به نظر می‌رسد همان معنایی که لغویین از نعبد در اینجا کرده‌اند و بخصوص این معنا که نهایت خضوع و خشوع از نعبد استفاده کنیم این بهتر است هرچند آن معنا هم قابل قبول است.

«والحمد لله رب العالمین»